

ميلاد امام حسن عسکری عليه السلام

آيت الله على رضاى تهرانى

۱۴۳۹/۰۴/۰۸ هجرى قمرى مقارن با ۱۳۹۶/۱۰/۰۶ هجرى شمسى

«أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ الْأَعْظَمِ وَتَبِيجَةِ الْعَالَمِ، هَادِي السُّبُلِ وَمُنْجِي الْبَشَرِ

سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا حَبِيبِ إِلَهِ الْعَالَمِينَ، أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ وَلَعَنُ الدَّائِرَةَ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.

«قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي كِتَابِهِ الْكَرِيمِ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ: «وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ»».

ميلاد ابوالحجّه، أبامحمد، امام حسن عسکری (سلام الله عليه) است؛ ان شاء الله به زودى زائر مرقد منورش، در سامرا بوده باشيم، به برکت صلوات بر محمد و آل محمد (صلی الله عليه و آله).

خب ما يك صلوات خاصه‌ای برای ائمه اطهار (عليهم السلام) داريم که گلچين اين صلوات خاصه خود امام عسکری (عليه السلام) است، شب ميلاد امام عسکری (عليه السلام) است، اين صلوات را با من تکرار کنید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَرِّ الْقَيِّمِ، الصَّادِقِ الْوَفِيِّ، الثَّوَرِ الْمُضِيِّ

خَازِنِ عِلْمِكَ، وَالْمُذَكِّرِ بِنَوْحِيْدِكَ، وَوَلِيِّ أَمْرِكَ، وَخَلَفِ أَيْمَةَ الدِّينِ الْهُدَاةِ الرَّاشِدِينَ، وَالْحُجَّةِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، فَصَلِّ عَلَيْهِ

يَا رَبِّ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَائِكَ وَحُجَجِكَ وَأَوْلَادِ رُسُلِكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ».

به روح مطهر امام عسکری (عليه السلام) باز هم هديه کنید صلوات بر محمد و آل محمد (صلی الله عليه و آله).
بيوگرافی اجمالی از امام حسن عسکری (عليه السلام) خدمت عزیزان تقدیم می‌کنم.

نام مبارکشان حسن، اسم پدر علی، حسن بن علی (عليه السلام)، نام مادر حُذَيْثَةُ یا سوسن یا سَلِيل، کنیه مبارکشان ابومحمد، چون می‌دانید نام مبارک امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) محمد است و لذا امام عسکری (عليه السلام) کنیه‌شان أبامحمد است. القاب متعددی دارند، مشهورترین لقبشان عسکری است، نقی، زکی، صامت، هادی، رفیق، سراج، خالص، این‌ها القاب حضرت است؛ یک لقب هم با پدرشان و جدشان امام جواد (عليه السلام) مشترک دارند، ابن الرضا، ابن الرضا هم برای امام جواد (عليه السلام) گفته می‌شد، هم برای امام هادی (عليه السلام)، هم برای امام عسکری (عليه السلام).

تاریخ ولادتشان ۲۳۲ هجرى قمرى است، ۸ ربیع الثانی، دوساله بودند، هجرت کردند به سامرا در سال ۲۳۴ هجرى قمرى همراه پدر، مدت امامتشان ۶ سال است، تاریخ شهادتشان ۸ ربیع الاول سال ۲۶۰ هجرى قمرى است. یا ۳ تا از خلفای بنی عباس معاصر هستند، هم معتز، هم مهتدی، هم معتمد، با این سه هم‌عصر بودند و با این سه دوران گذراندند.

امام عسکری (عليه السلام) ویژگی‌هایی دارد مثل همه ائمه (عليهم السلام) که ویژگی‌هایی دارند. این نکته را ما از مقام معظم رهبری فرا گرفتیم. نکته‌ای است که ایشان فرمودند، در حقیقت ما وقتی داریم در تاریخ امامان شیعه بحث می‌کنیم، در حقیقت باید بدانیم کأنّ از یک انسان ۲۵۰ ساله داریم حرف می‌زنیم. یعنی گرچه آنها در موقعیت‌های مختلف، به گونه‌های مختلف عمل کردند، در حقیقت این عملکردها، عملکرد یک انسان است، در مقاطع تاریخی مختلف عمل کردند و این نکته قابل توجه است.

در روایات ما به این نکته با این تعبیر اشاره شده است که «كُلُّهُمْ نَوْرٌ وَاحِدٌ» یا «كُلُّنَا نَوْرٌ وَاحِدٌ»، فرمودند همه ما یک نور هستیم یا مثلاً در تعبیرات روایی آمده است: «أَوَّلُنَا مُحَمَّدٌ أَوْ سَطْنَا مُحَمَّدٌ آخِرُنَا مُحَمَّدٌ»، همه ما محمد هستیم، همه ما پیغمبر (صلی الله عليه و آله) هستیم که می‌خواهد به ما بفهماند هیچ فرقی از نقطه نظر امامت، بین علی بن ابیطالب (عليه السلام) و امام عسکری و امام صادق و امام رضا (عليهم السلام) نیست و لذا اینکه در یک عملکرد

غلط، ما شیعیان به برخی از ائمه (علیهم السلام) بیشتر اعتنا داریم، از زندگی نامه‌شان بیشتر خبر داریم، از حیاتشان و عملکردشان بیشتر مطلع هستیم، این عملکرد درستی نیست. امام عسکری (علیه السلام) باید همان مقدار برای ما مهم باشد که امام صادق (علیه السلام)، رئیس مذهب یا سیدالشهداء، سفینه النجاة (سلام الله علیه) برای ما مهم است؛ اهمیتش از نظر امامت برای ما تفاوتی نباید نداشته باشد. در بین آنها که این وجه اشتراک است، هر کدام از ائمه (علیهم السلام) ویژگی‌های خاصی هم دارند که من بعضی از ویژگی‌های امام عسکری (علیه السلام) را خدمت شما عرض می‌کنم. اولین ویژگی امام عسکری (علیه السلام) این است که آخرین وصی ظاهر غیر غائب رسول الله (صلی الله علیه و آله) است. یعنی در سلسله اوصیاء، آخرین وصی‌ای که ظاهر است، مردم از حضور و ظهور او بدون غیبت استفاده بردند، امام عسکری (علیه السلام) است.

دومین ویژگی، امام عسکری (علیه السلام)، ابوالمهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است، امام زمان فرزند بلافصل او است، پدر حجت زنده خدا در امروز است. سوم، تنها امامی است که به ظاهر، به باطن کاری نداریم، به حج و عمره مشرف نشده است. امام عسکری (علیه السلام) دو سالگی سامرا آمدند، در سامرا آمدند، به سفر نرفتند، در سامرا شهید شدند، در سامرا دفن شدند و لذا به ظاهر امام عسکری (علیه السلام) نه حج و نه عمره مشرف شدند. ما به عنوان روحانی کاروان وقتی زائر را می‌بریم مسجد شجره یا مسجد جحفه برای اینکه می‌خواهند محرم بشوند برای عمره یا حج، بعضی‌ها که بار دومشان است، بار سومشان است، می‌آیند در گوش ما می‌گویند حاج آقا ما می‌خواهیم به نیت امام عسکری (علیه السلام) محرم بشویم. من این را گفته‌ام، گفته‌ام شیعه بر اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) تعشق دارد، عشقورزی می‌کند. ده‌ها مورد این خاطره در ذهن من هست، در مسجد شجره آمده، اشک‌هایش جاری است، می‌گوید که آقا من شنیدم در میان ائمه امام عسکری (علیه السلام) حج و عمره نرفته است، می‌خواهم به نیت حضرت محرم بشوم. درست است، این از ویژگی‌های امام عسکری (علیه السلام) است.

تنها امامی است که یک فرزند دارد و او امام زمان (سلام الله علیه) است. در مورد امام رضا (علیه السلام) اختلاف است، الآن در ایران ما یک دختر و یک پسر غیر از امام جواد (علیه السلام) به عنوان فرزندان امام رضا (علیه السلام) زیارتگاه دارند اما امام عسکری (علیه السلام) یک فرزند بیشتر ندارند.

تنها امامی است که وظیفه داشته امامت امام بعد را مخفی نگه دارد، کاری که امام صادق (علیه السلام) هم کرد، امام صادق (علیه السلام) هم امامت امام بعد را مخفی نگه داشت؛ شش نفر را وصی خود کرد برای اینکه امامت امام کاظم (علیه السلام) مخفی بماند. امام عسکری (علیه السلام) وظیفه داشتند حتی وجود امام بعد از خود را مخفی نگه دارند و لذا در زمان امام عسکری (علیه السلام) خیلی‌ها خبر نداشتند که امام زمانی هم هست. وقتی در نماز بر جنازه امام عسکری (علیه السلام)، امام زمان هفت ساله آمد، عبای جعفر را کشید، عمو برو کنار، من اولی هستم بر پدرم نماز بخوانم، جعفر تازه متوجه شد امام عسکری (علیه السلام) بچه دارد، فرزند دارد، مهدی دارد؛ خیلی با ظرافت امام عسکری (علیه السلام) وظیفه داشتند وجود امام بعد را مخفی نگه دارند. خود امام عسکری (علیه السلام) فرمود که هیچ کدام از پدران من، به مانند من دچار انکار نشدند، از ویژگی‌های امام عسکری (علیه السلام) است.

خیلی در زمان امام عسکری (علیه السلام) ما فرق منحرف داریم، غلات غوغا می‌کنند در جهان شیعه، حضرت فرمودند که هیچ کس به مانند من مبتلای به انکار نشده است.

تنها امامی است که در موردش بداء صورت گرفته است؛ بداء یعنی گویا خدا می‌خواسته است کاری بکند، آن کار را نکرده است، کار دیگری کرده است، این را بداء می‌گوییم.

وقتی امام عسکری (علیه السلام) به امامت رسید، امام هادی پشت کمر امام عسکری (علیه السلام) زدند و

فرمودند: «يَا بُنَيَّ أَحَدِثْ لِي شُكْرًا»، یک شکر جدید و تازه، یک سپاس شایان برای خدا انجام بده، چرا؟ فرمود به خاطر اینکه خدای متعال در مورد تو بداء‌ای برایش حاصل شد که در هیچ موردی حاصل نشده بود. قرار بر این بود که سید محمد برادر امام عسکری (علیه السلام) امام بشود، بداء صورت گرفت و امام عسکری (علیه السلام) امام شد. خدا ان شاء الله روزی کند، در راه سامرا زیارت سید محمد (علیه السلام) در شهر بلد می‌رویم، اگر ایندفعه رفتید، بالای سردر زیارتگاه حضرت سید محمد (علیه السلام) این دو بیت شعر نوشته شده است: «

ان الامامه ان عدتك فلم تكن تعدوك كالأرفعة ومقامها
يكنى مقامك انه في رتبة لولا البداء لا خيك كنت اماما».

نوشته اگر امامت از تو گذشت و به برادرت رسيد، نه اينكه تو شأن امامت نداشتي، سيد محمد (عليه السلام) از امامزاده‌هايي در حد عظمت حضرت ابوالفضل و حضرت علي اكبر، در حد حضرت اسماعيل فرزند امام صادق (عليهم السلام) است؛ در آن حد از امامزاده‌ها است، در حد زينب كبرى (سلام الله عليها) است، از آن امامزاده‌هايي است كه نور امامت را در خود دارد. خب، بداء فقط در مورد امام عسكري (عليه السلام) صورت گرفته است، در ساير ائمه (عليهم السلام) نداريم.

از ويژگي‌هاي امام عسكري (عليه السلام) آن است كه تنها امامي است كه اينجور كه تاريخ نقل کرده است، حضرت زن دائم يا زن موقت نگرفتند، فقط به يك كنيز بسنده كردند و او هم مادر امام زمان، نرجس خاتون (سلام الله عليها) است، حتي بعد از شهادت امام عسكري (عليه السلام) خليفه بعد كنيزهاي خانه امام عسكري (عليه السلام) را جمع كرد، از اينها خبر بگيرد، اينها به اتفاق گفتند كه ما خدمتكار بوديم، دستي به سوي ما دراز نشد.

يعني امام عسكري (عليه السلام) امامي است كه كائن از دواج دائم و موقت نداشته است، فقط با حضرت نرجس خاتون (سلام الله عليها) بوده است و اين از ويژگي‌هاي امام عسكري (عليه السلام) است.

تنها امامي است كه مبتلا به برادري ناباب است، ناباب يعني اهل فسق و فجور و تعامل امام عسكري (عليه السلام) با اين برادر عجيب است. همه ما مبتلاييم، در يك خانواده دو تا بچه مثبت، يك بچه منفي، دو تا بچه منفي، يك بچه مثبت، حالا چطور بايد تعامل كرد، چطور بايد زندگي كرد؟

داريم برادر امام رضا (عليه السلام) زيد النار اما اهل فسق و فجور نيست، او در بصره يك قيام نابجايي كرد، وگرنه نگفتند مشروب مي‌خورد، نگفتند با خليفه مي‌نشست و ترانه گوش مي‌كرد، به زنان رقاصه گوش مي‌كرد. ما در مورد جعفر چنين حرف‌هايي را داريم، جعفر كذاب اما همين جعفر كذاب دستگير شد با امام عسكري (عليه السلام)، داخل زندان بردندشان، چند مدت بعد دستور آمد امام عسكري (عليه السلام) را آزاد كنند، حضرت آزاد شدند، دم در زندان آمدند، ايستادند و مأمورين حكومتي گفتند آقا در باز است، بفرماييد. فرمودند كه نمي‌روم.

گفتند چرا نمي‌روي؟

امام عسكري (عليه السلام) فرمودند كه من وقتي آمدم با برادرم آمدم، الان اگر برگردم، جواب زن و بچه او را چه بدهم؟

يا من را به زندان برگردانيد، يا برادرم را آزاد كنيد.

رفتند به خليفه گزارش كردند، گفت آزادش كنيد، جعفر هم آزاد شد. با اينكه برادري ناباب است اما امام او را هم بايد مديريت كند، فرزند امام هادي (عليه السلام) است، او را هم بايد تدبير كند. گرچه ما در برادر امام رضا (عليه السلام) داريم، گرچه ما در مورد محمد بن حنفيه يك مطلبي داريم كه حالا بعد از شهادت امام حسين (عليه السلام) ادعای امامت كرد اما بعضي مي‌گويند كه يك پروسه‌اي بوده تا امامت را همه بفهمند، جرياني دارد، ولي در مورد امام عسكري (عليه السلام) واقعا اين برادر در دسرساز بود.

خب، يك مقداري من از سختي‌هاي زندگي امام عسكري (عليه السلام) براي‌تان بگويم، قدر خودمان را در جمهوري اسلامي بدانيم، جمع شويم در مسجد، در مورد شيعه، در مورد اهل بيت عصمت و طهارت (عليهم السلام) صحبت مي‌كنيم، به برکت نهضت آن پير كبير انقلاب، اين قدر آزادانه، اخيراً اكثر كساني كه ملاقات با آقاي سيستاني در عراق دارند، ايشان يك جمله را ترجيع بند تكرار مي‌كنند و آن جمله اين است، مي‌فرمايند: «گسترش تشيع را در جهان امروز ما وامدار نهضت خميني هستيم».

گرفتاري‌هاي امام عسكري (عليه السلام) را براي‌تان بگويم:

۱. غربت و تبعيد از دو سالگي، نه فاميلى در كنار او است، نه وطن، وطن او است، نه شهر، شهر او است. يك نکته را عزيزان طلاب هم در جلسه هستند، رصد كنيم، خيلي نکته قابل توجه است.

تعدادي از اهل بيت عصمت و طهارت (عليهم السلام) مجبور شدند از مدينه کوچ كنند، همه اينها كه مجبور شدند از مدينه کوچ كنند، با اشك ديده از مدينه رفتند، اولينش اميرالمومنين (عليه السلام) است، شايد قبل از اميرالمومنين (عليه السلام) ابوذر بود، تبعيد شد. اميرالمومنين (عليه السلام) به‌خاطر اداره حكومت مجبور شد و به كوفه آمد. امام حسين (عليه السلام) به‌خاطر رقم زدن نهضت مجبور شدند بروند به مكه و بعد به سمت كوفه بروند.

خب، امام رضا (عليه السلام) ولي‌نعمت ما به مرو تبعيد شد، امام هادي و امام عسكري (عليهم السلام) به سامرا تبعيد شدند. من رصد كردم، همه اينها كه از مدينه بيرون آمدند، با اشك چشم آمدند و فرمودند كه

اگر به اختيار ما بود، ما مدینه را از دست نمی دادیم. امام صادق (عليه السلام) یک روز عیدی بود، مثل فردا که ميلاد است و عید است، یک روز عیدی بود امام صادق (عليه السلام) مسجدالنبی آمدند، سر قبر پیغمبر (صلی الله عليه و آله) رفتند، السلام علیک یا رسول الله، بعد فرمودند که ما مدنی ها بر همه مردم فضیلت داریم، فقط به خاطر اینکه در مدینه زندگی می کنیم، بعد فرمودند حتی بر اهل مکه، حتی بر کسانی که کنار مسجد الحرام هستند.

درس می خواهم بگیرم، یک کسی که دارد در مشهد الرضا زندگی می کند، خدا به او نعمت داده است. خیلی ها در مشهد هستند، همه عشق و آرزوایش است یک بار به فرانسه برود زندگی بکند، یک روز برود کانادا زندگی بکند، یک روز برود تهران زندگی بکند، که چه؟

کنار مضجع نورانی علی بن موسی الرضا (عليه السلام) که پیغمبر (صلی الله عليه و آله) فرمود: «سَتُدْفَنُ بِضَعَةِ مِثِّي بِحُرَّاسَانِ مَا زَارَهَا مَكْرُوبٌ إِلَّا نَفْسَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كَرِهَهُ وَلَا مُذْنِبٌ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ». اصلاً دلتان را غم گرفت، برو صحن مطهر، یک سلام بده و بیا، بین غمت برداشته نمی شود.

پس اولین گرفتاری امام عسکری (عليه السلام) این است که غریب است، در تبعید به سر می برد. اگر امام رضا (عليه السلام) آخر عمر غریب شد، امام عسکری (عليه السلام) از دو سالگی غربت را تجربه کرد.

۲. دوم، زندان، امام عسکری (عليه السلام) در سه تا زندان دارد زندگی می کند؛ زندان بزرگ سامرا که سامرا یک شهر نیمه نظامی است، در این زندان بزرگ، در محله عسکر، یک جایی که اصلاً منطقه، منطقه نظامی است، حالا در این محله عسکر، در خانه ای که خانه محاصره خانگی است، حصر خانگی است که راوی می گوید من رفتم در سامرا به لطایف الحیل وارد خانه امام هادی (عليه السلام) شدم، امام عسکری (عليه السلام) کودک بود و دیدم امام هادی (عليه السلام) در یک اتاق نشسته است، نه حصیری، نه فرش، در مقابل امام هادی (عليه السلام) قبری کنده است، امام را مجبور کردند کنار این قبر بنشیند، به حضرت عرض کردم، چرا آقا این جا؟

فرمود که من را گفتند این جا بنشین، برای اینکه دائماً به من تلقین کنند تو را زنده به گور می کنیم. راوی می گوید که من اشکم جاری شد، زندانی در زندان و در زندانی امام عسکری (عليه السلام) دارد زندگی می کند، پس غربت و تبعید و زندان به این کیفیت (عرض شد).

۳. سوم، احاطه شدن توسط جاسوسان حتی در محیط خانه، در طول زندگی امام هادی و امام عسکری (علیهما السلام)، از دربان و از سقا و از نگهبان همه جاسوس حکومت هستند و عجیب است که بنی عباس در زمان امام هادی (عليه السلام) و امام عسکری (عليه السلام) در اوج ضعف هستند؛ یعنی امروزه حکومت بنی عباس را چهار دوره کنی، دوره امام هادی و عسکری (علیهما السلام) اوج ضعف حکومت است، ترک ها حاکمند، ترک ها می آمدند در یک روز خلیفه برکنار می کردند، خلیفه نصب می کردند، این قدر قدرت داشتند اما در حین اینکه در اوج ضعف هستند، در یک مورد قوی عمل می کنند و آن کنترل امام شیعه است، امام شیعه را کنترل می کنند، ولی را می خواهند کنترل بکنند، می خواهند مجبش را از دل مردم برابند، لذا دور تا دور امام جاسوسان بودند.

۴. چهارم، نفاق دشمن بخصوص در زمان معتمد، معتمد وقتی خلیفه شد می آمد جلوی امام دست به سینه می گذاشت، احترام می کرد ولی از پشت خنجر می زد.

۵. پنجم، گریه دارد، روز ولادت امام عسکری (عليه السلام) است، هر دوشنبه و پنجشنبه امام باید وارد دربار می شد اعلام حضور می کرد، مثل این ها که تبعید می شوند، باید کلانتری بروند امضا بکنند که ما در شهر هستیم، بیرون نرفتیم. هر دوشنبه و هر پنجشنبه.

۶. ششم، سختی ارتباط گیری حتی با نزدیک ترین نزدیکان، حضرت نمی توانستند که ارتباط بگیرند.

سختی های حضرت فراوان است، از این بگذرم، یک مقدار مأموریت های حضرت را بررسی کنیم، من زمان را هم در نظر دارم.

۱. حفظ و بالندگی و تمرکزگرایی در دستگاه عظیم وکالت، از زمان امام جواد (عليه السلام)، بلکه از زمان امام موسی بن جعفر (عليه السلام)، شیعه به این سمت رفته که نیرو پرورش دهد و مراکز نیمه مستقل ایجاد کند.

اصلاً علت اینکه یک سری واقفیه شدند، چه شد؟

برخی از این نیروهای نیمه مستقل دُم درآوردند، قد علم کردند، پول دستشان بود، حالا امام کاظم (علیه السلام) از دنیا رفته است، صدها هزار دینار وجوه شیعه دستشان است. گفت خب، نا مفهوم ۲۵:۱۴، می‌حوریم، واقفیه شدند، درست؟

در زمان امام عسکری (علیه السلام) حضرت به این سمت رفتند که آن را چنان تقویت کنند که وقتی غیبت شروع می‌شود شیعه به مشکل نخورد، شیعه مشکل پیدا نکند. شیعه‌ای که عادت کرده است از زمان امیرالمومنین (علیه السلام) هر موقع اراده کند، خدمت امامش برسد، مسئله‌اش را بپرسد، سوالش را بپرسد، حالا یک دفعه در بحث غیبت، حالا وکلاً هم نباشند، نواب هم نباشند، این را امام عسکری (علیه السلام) در بالندگی و تمرکزگرایی‌اش دقت کرد.

۲. دوم، عرض کردم، حفظ جان امام پس از خود، حفظ جان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خیلی از امام عسکری (علیه السلام) جان گرفت، خیلی سخت بود، تمان دربار بنی عباس دقت کرده بودند که این جمله پیغمبر (صلی الله علیه و آله) اتفاق نیفتد که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود دوازدهمین وصی من مهدی (علیه السلام) است، تمام دربار روی آن دقت کرده بودند. از یک خانواده‌ای که در سه تا زندان سامرا، محله عسکر، خانه خود حضرت، خدا کمک کرد، حضرت نرجس خاتون (سلام الله علیها) تا لحظه‌ای که زایمان کرد، شکم نیاورد، اصلاً حاملگی‌اش مشخص نبود، حکیمه خاتون نمی‌دانست. وقتی امام عسکری (علیه السلام) به او فرمود که امشب پیش ما باش، خدا به ما مولودی می‌دهد، گفت از که؟

فرمود از نرجس. حالا به دنیا آمده است، تا هفت سالگی جعفر نباید بفهمد آن‌جا چه خبر است، این ماموریت امام عسکری (علیه السلام) بود.

۳. در عین حال سومین مأموریت این است که امام زمانی هست، لذا حضرت به خواص امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را نشان دادند؛ تا چند نفر خصوصی بودند، می‌فرمودند که پرده را کنار بزنید، کنار می‌رفت، این آقا پسر پنج ساله، شش ساله می‌آمد. یعنی هم باید از یک طرف جان حضرت را نگه دارد، هم از یک طرف باید او را به افراد معرفی کند که اصلش انکار نشود، چه اینکه الآن بعضی در جهان دارند اصلش را انکار می‌کنند، می‌گویند که امام عسکری (علیه السلام) اصلاً بچه نداشت.

۴. آماده‌سازی جامعه شیعه برای عصر غیبت.

۵. دفاع علمی و عملی از کیان اسلام، به آقا خبر دادند که یک آقایی به نام کندی پیدا شده است، دارد کتابی می‌نویسد تناقضات قرآن و این کندی غیر از آن فیلسوف شهیر است، یک آدم دیگری است، آن کندی فیلسوف نیست، یک آدم دیگر است.

حضرت یک نفر را صدا زدند، گفتند که پیش جناب کندی برو، بگو تو داری تناقضات قرآن را جمع می‌کنی، داری دو آیه را پشت سر هم می‌گذاری، می‌گویی این‌جا تناقض است. یک‌جایی رب المشرقین و رب المغربین است، یک‌جایی می‌گوید رب المشارق و المغرب، بالاخره دو تا مشرق و مغرب است یا چند تا مغرب و مشرق است؟

این تناقض است مثلاً، حضرت فرمودند که تو احتمال نمی‌دهی این آیاتی را که تو داری می‌فهمی، آن کسی که فرستاده است، یک معنای دیگری را اراده کرده باشد، گفت که آقا همین‌جور به او بگویم؟ حضرت فرمودند: «بگو».

کندی آدم فهمیده‌ای است، شبهه‌ای برایش پیش آمده است، همین را برو به او بگو، پیش جناب کندی رفت، جناب کندی گفت که این حرف مال تو نیست، مال که است؟ گفت: شما چه کار داری؟

(کندی) گفت: «نه، این حرف برای چه کسی است؟».

(فرستاده امام) گفت: «حرف، حرف امام عسکری (علیه السلام) است».

(کندی) گفت: «درست است». برگه‌هایش را شروع به پاره کردن کرد. گرچه در سامرا است، اما حواسش به امت اسلام است، حواسش به نگهداری مکتب است، مکتب را دارد نگهداری می‌کند.

آن راهب می‌آمد، دست به آسمان بلند می‌کرد، باران می‌آمد، هرچه مسلمانان نماز باران می‌خواندند، باران

نمی‌آمد، دو بار این قضیه تکرار شد، خلیفه رسید خدمت امام عسکری (علیه السلام)، گفت به داد امت جدت برس، دارند مسیحی می‌شوند. حضرت فرمودند که تا این دفعه آمد دعا کند، من را صدا کن. نصاری جمع شدند، ایم راهب پیر آمد برای باران دعا کند، امام را صدا کردند، حضرت به یک نفر گفتند که می‌روی تا دستش را به طرف آسمان برد، بین انگشت وسطی و سبابه او یک استخوان است، این استخوان، استخوان پیغمبری از پیغمبران است، این را که به آسمان می‌گیرد، خدای متعال باران نازل می‌کند، این را از دستش بگیر. این هم رفت و از پشت سر این را گرفت، دیگر باران نبارید. دارد نجات می‌دهد مردم را، که چه؟ که مردم نصرانی نشوند، امام عسکری (علیه السلام) حواسشان به همه جا هست.

۶. از اهدافی که امام دنبال کردند و از مأموریت‌ها، جلوگیری از افسردگی شیعیان به‌خاطر کمتر در دسترس بودن امام است. امام در خانه‌اش باز است ولی دشمن نمی‌گذارد. امام (علیه السلام) برای اینکه این مطلب اتفاق نیفتد، شیعه افسرده نشود، سعی می‌کردند با شیعه ارتباط داشته باشند.

این داستان را برایتان بگویم، جعفر بن شریف جرجانی، جرجان همین گرگان خودمان است، جعفر بن شریف جرجانی می‌گوید که قصد حج کردم، قبلش در سامرا خدمت امام عسکری (علیه السلام) رسیدم، اموالی از شیعیان دستم بود، خدمت حضرت دادم. قبل از اینکه اموال را بدهم، حضرت نیت من را خواندند، گفتند که به خادمم مبارک بده، اسم خادم حضرت مبارک است، اموال را دادم. به امام عسکری (علیه السلام) عرض کردم شیعیان گرگان به شما سلام می‌رسانند. حضرت فرمودند: «تو داری حج می‌روی؟». گفتم بله، دارم حج می‌روم.

حضرت فرمودند: «۱۷۰ روز دیگر وارد گرگان می‌شوی، یعنی روز سوم ربیع الثانی وارد گرگان می‌شوی، آن روز که وارد می‌شوی، صبح جمعه است، شیعیان به دیدار تو می‌آیند، حج رفتی، به دیدار تو که آمدند، بگو عصر در فلان منزل جمع بشوند، من از سامرا به دیدن آن‌ها می‌آیم». گفت: «آقا شما از سامرا به دیدن ما می‌آیی؟». آقا فرمودند: «بله».

خب، جعفر بن شریف می‌گوید که ما رفتیم حجهان را انجام دادیم، مکه، مدینه، به سمت گرگان برگشتیم، وارد که شدم، یکدفعه یاد افتاد هم روز جمعه است و هم سوم ربیع الثانی است. تا وارد شدم، شیعیان به استقبال آمدند، در گوششان گفتم که بعدازظهر جمع بشوید آقا به دیدن شما می‌آید. همه شیعیان گرگان جمع شدند، بعدازظهر منتظر نشستیم، امام عسکری (علیه السلام) وارد شد. بلند شدیم، دست حضرت را بوسیدیم، پیشانی حضرت را بوسیدیم.

حضرت فرمودند که من به جعفر بن شریف قول داده بودم و ما اهل بیت (علیهم السلام) اگر قول بدهیم، به وعده‌مان عمل می‌کنیم. حالا هرکس هر سوال و حاجتی دارد، بگوید، من در خدمت شما هستم؛ تعبیر خود جعفر بن شریف است. تعبیر خود حضرت هم این است، فرمودند که نماز ظهر و عصرم را در سامرا خواندم و حرکت کردم.

بین سامرا و گرگان چقدر راه است؟ می‌گوید که جابر خدمت حضرت آمد، گفت که آقا من فرزند پسری دارم، چند وقتی است این پسر کور شده است، نمی‌بیند، فرمودند که بیاوریدش.

تا آمدند، امام (علیه السلام) دستی بر صورت این پسر کشیدند، چشم‌ها بینا شد. بگو یا امام عسکری (علیه السلام) می‌شود یک دستی بر دل‌های ما بکشی، این دل‌ها بینا شود، شب ولادت حضرت است دیگر. گفت:

آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند آیا شود گوشه‌چشمی به ما کنند

اصلاً امام عسکری (علیه السلام) امام جوان‌ها است دیگر، می‌دانید، سن حضرت به سی سالگی نرسیده است که از دنیا رفته است. خب، تک تک آمدند، حاجت‌هایشان را گفتند، بعد حضرت برای همه دعا کردند، راوی روایت می‌گوید که حضرت

چند بار برای همه دعا کردند.

حالا در یک داستان دیگر، احمد بن اسحاق می گوید خدمت امام عسکری (علیه السلام) رفتم، گفتم آقا من در روایات خواندم انسان مومن یا طاقباز می خوابد یا بر پهلوی راست و خوب است انسان مومن به سمت راست بخوابد، می دانید مستحب است، مستحب است که ما طوری بخوابیم، شب که می خواهیم بخوابیم، طوری بخوابیم که همه بدنمان به سمت قبله باشد. یعنی اگر کسی می خواهد در مسجد بخوابد، طوری بخوابد که سر به این طرف، پا به این طرف که وقتی روی دست راستش می خوابد همه بدن به سمت قبله باشد، این سنت اسلامی است. احمد بن اسحاق می گوید آقا من چون در روایات شنیدم ولی نمی توانم، تا می آیم به سمت راست بخوابم، خوابم نمی برد، به سمت چپ خوابم می برد.

حضرت فرمودند جلو بیا، دست مبارکشان را از بالا به سمت پایین کشیدند، دو مرتبه. احمد بن اسحاق می گوید که شب رفتیم بخوابیم، هر کاری کردیم به سمت چپ خوابمان نبرد، درست شد؟

دیگر خواب آمد روی سمت راست، یعنی سنت دیگر اجرایی شد و آمد.

خیلی زندگی امام عسکری (علیه السلام) زندگی پر مطلبی است. ابوهاشم می گوید که خیلی تنگدست بودم، رفتم خدمت امام گدایی کنم، حجات کشیدم، هیچی نگفتم، برگشتم، رسیدم به منزل، حضرت با خادمشان صد دینار برایم فرستادند. صد دینار یعنی صد تا سکه بهار آزادی، قیمت چند شده است آقا؟

سه میلیون، صد تا سکه بهار آزادی و بعد پیغام دادند که هر موقع نیاز داشتی، بیا بگو، شرم نکن، ما خاندان عصمت و طهارت نباید کسی برای این امور نزدمان شرم کند، نیاز داری، بیا نیازت را بگیر.

همین ابو هاشم معلوم است خوش روزی هم بوده است، می گوید روزی با امام به صحرا رفتیم، من پشت سر حضرت راه می رفتم، به ذهنم رسید فلان قرض کلانی که دارم، وقتش رسیده است، چه کار کنم؟

امام جلو جلو داشتند راه می رفتند، فرمودند که خدا سبب ساز است، غصه نخور. خم شدند با تازیانه ای که دستشان بود، یک خط بر روی زمین کشیدند، دیدم که یک شمش طلا پیدا شد، فرمودند که برش دار، بگیر، کتمان کن.

یک ذره جلو رفتیم، به ذهنم رسید حالا آن برای قرضمان، زمستان دارد می آید، لباس گرم نداریم، کاپشن نداریم، جوراب کلفت نداریم، حضرت فرمودند که خدا سبب ساز است؛ باز خم شدند، یک تازیانه کشیدند، یک شمش نقره پیدا شد، فرمودند بردار، کتمان کن. برداشتیم، کتمان کردیم، آمدیم منزل، طلا را قیمت کردیم، نقره را قیمت کردیم، دقیقاً طلا به قیمت قرضمان درآمد، نقره هم به قیمت مخارج زمستانمان در آمد.

نکته این است که اگر الآن در آن صلوات خاصه حضرت که خواندیم، می گوئیم امام (علیه السلام) «الْبَرِّاتَّقَى النَّعَى الزَّكَّى»، این ها را در عمل نشان دادند. خدا حفظ کند مقام معظم رهبری را، باز از نکاتی که ما از ایشان یاد گرفتیم، واقعاً از ایشان من این نکته را فرا گرفتم این است، ایشان فرمودند که شیعیان در ارتباط با اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) دو دسته بودند، این دو دسته را ایشان اینطور تشبیه کردند، دو نفر رفتند روی کوه دماوند ایستادند، شروع می کنند از این کوه و زیبایی ها و قله تعریف کردن، یکی فقط تعریف می کند، یکی می گوید که حالا این کفش کوهنوردیمان را آماده کنیم، لباس کوهنوردی را آماده کنیم، یک کوله آماده کنیم، بعد هم یا علی، بسم الله را بگوئیم، راه بیفتیم، برویم، ببینیم تا کجا می رسیم.

ایشان فرمودند دو جور شیعه داریم، یک شیعه ای که در مجلس امام عسکری (علیه السلام) می آید، گوش می دهد، بعد هم که خانه رفت، یادش می رود. یکی می آید به امیرالمومنین، به امام مجتبی، به امام حسین (علیهم السلام) نگاه می کند و سعی می کند مانند آن ها رفتار کند، سعی می کند مانند آن ها رفتار کند.

چیزی از میلاد حضرت عبدالعظیم (علیه السلام) نگذشته است، طوری زندگی می کند این امامزاده که با چهار واسطه به امام مجتبی (علیه السلام) می رسد که امام هادی به او می گوید: «أَنْتَ وَلِيُّنَا حَقًّا»؛ تو ولی ما هستی، تو موالی ما هستی، تو اهل عمل هستی. یعنی این شهدای ما، حججی ها، همت ها، برونسی ها، این ها هنرشان این بود، صبر نکردند که فقط بگویند سیدالشهداء (علیه السلام) قربانش برویم، حضرت علی اکبر (علیه السلام) را قربانش بشویم، نه، راه افتاده است، ذره ای از این فضائل را در خودش پیاده کند، یعنی این شیعه واقعی می شود،

می شود «أَنْتَ وَلِيُّنَا حَقًّا»، و اصلاً شیعه این چنین است، یعنی حتی وقتی در مقام رهبری جامعه قرار می گیرد، من فکر می کردم، دیدم مقام معظم رهبری اگر گفت زندان داریم، خودش رفته است، گفته تبعید شویم، خودش رفته است، گفته جانباز شویم، خودش شده است، گفته رزمنده باشیم، خودش شده است، اگر گفته جان بگذاریم، وقت بگذاریم؛ هشتاد سالش است ایشان، مثل یک جوان هفتاد ساله دارد، مثل یک جوان هجده ساله دارد کار می کند.

ایشان فرمودند دو جور شیعه داریم، یک شیعه ای که در مجلس امام عسکری (علیه السلام) می آید، گوش می دهد، بعد هم که خانه رفت، یادش می رود. یکی می آید به امیرالمومنین، به امام مجتبی، به امام حسین (علیهم السلام) نگاه می کند و سعی می کند مانند آن ها رفتار کند، سعی می کند مانند آن ها رفتار کند.

چیزی از میلاد حضرت عبدالعظیم (علیه السلام) نگذشته است، طوری زندگی می کند این امامزاده که با چهار واسطه به امام مجتبی (علیه السلام) می رسد که امام هادی به او می گوید: «أَنْتَ وَلِيُّنَا حَقًّا»؛ تو ولی ما هستی، تو موالی ما هستی، تو اهل عمل هستی. یعنی این شهدای ما، حججی ها، همت ها، برونسی ها، این ها هنرشان این بود، صبر نکردند که فقط بگویند سیدالشهداء (علیه السلام) قربانش برویم، حضرت علی اکبر (علیه السلام) را قربانش بشویم، نه، راه افتاده است، ذره ای از این فضائل را در خودش پیاده کند، یعنی این شیعه واقعی می شود،

می شود «أَنْتَ وَلِيُّنَا حَقًّا»، و اصلاً شیعه این چنین است، یعنی حتی وقتی در مقام رهبری جامعه قرار می گیرد، من فکر می کردم، دیدم مقام معظم رهبری اگر گفت زندان داریم، خودش رفته است، گفته تبعید شویم، خودش رفته است، گفته جانباز شویم، خودش شده است، گفته رزمنده باشیم، خودش شده است، اگر گفته جان بگذاریم، وقت بگذاریم؛ هشتاد سالش است ایشان، مثل یک جوان هفتاد ساله دارد، مثل یک جوان هجده ساله دارد کار می کند.

ایشان فرمودند دو جور شیعه داریم، یک شیعه ای که در مجلس امام عسکری (علیه السلام) می آید، گوش می دهد، بعد هم که خانه رفت، یادش می رود. یکی می آید به امیرالمومنین، به امام مجتبی، به امام حسین (علیهم السلام) نگاه می کند و سعی می کند مانند آن ها رفتار کند، سعی می کند مانند آن ها رفتار کند.

چیزی از میلاد حضرت عبدالعظیم (علیه السلام) نگذشته است، طوری زندگی می کند این امامزاده که با چهار واسطه به امام مجتبی (علیه السلام) می رسد که امام هادی به او می گوید: «أَنْتَ وَلِيُّنَا حَقًّا»؛ تو ولی ما هستی، تو موالی ما هستی، تو اهل عمل هستی. یعنی این شهدای ما، حججی ها، همت ها، برونسی ها، این ها هنرشان این بود، صبر نکردند که فقط بگویند سیدالشهداء (علیه السلام) قربانش برویم، حضرت علی اکبر (علیه السلام) را قربانش بشویم، نه، راه افتاده است، ذره ای از این فضائل را در خودش پیاده کند، یعنی این شیعه واقعی می شود،

می شود «أَنْتَ وَلِيُّنَا حَقًّا»، و اصلاً شیعه این چنین است، یعنی حتی وقتی در مقام رهبری جامعه قرار می گیرد، من فکر می کردم، دیدم مقام معظم رهبری اگر گفت زندان داریم، خودش رفته است، گفته تبعید شویم، خودش رفته است، گفته جانباز شویم، خودش شده است، گفته رزمنده باشیم، خودش شده است، اگر گفته جان بگذاریم، وقت بگذاریم؛ هشتاد سالش است ایشان، مثل یک جوان هفتاد ساله دارد، مثل یک جوان هجده ساله دارد کار می کند.

ایشان فرمودند دو جور شیعه داریم، یک شیعه ای که در مجلس امام عسکری (علیه السلام) می آید، گوش می دهد، بعد هم که خانه رفت، یادش می رود. یکی می آید به امیرالمومنین، به امام مجتبی، به امام حسین (علیهم السلام) نگاه می کند و سعی می کند مانند آن ها رفتار کند، سعی می کند مانند آن ها رفتار کند.

چیزی از میلاد حضرت عبدالعظیم (علیه السلام) نگذشته است، طوری زندگی می کند این امامزاده که با چهار واسطه به امام مجتبی (علیه السلام) می رسد که امام هادی به او می گوید: «أَنْتَ وَلِيُّنَا حَقًّا»؛ تو ولی ما هستی، تو موالی ما هستی، تو اهل عمل هستی. یعنی این شهدای ما، حججی ها، همت ها، برونسی ها، این ها هنرشان این بود، صبر نکردند که فقط بگویند سیدالشهداء (علیه السلام) قربانش برویم، حضرت علی اکبر (علیه السلام) را قربانش بشویم، نه، راه افتاده است، ذره ای از این فضائل را در خودش پیاده کند، یعنی این شیعه واقعی می شود،

می شود «أَنْتَ وَلِيُّنَا حَقًّا»، و اصلاً شیعه این چنین است، یعنی حتی وقتی در مقام رهبری جامعه قرار می گیرد، من فکر می کردم، دیدم مقام معظم رهبری اگر گفت زندان داریم، خودش رفته است، گفته تبعید شویم، خودش رفته است، گفته جانباز شویم، خودش شده است، گفته رزمنده باشیم، خودش شده است، اگر گفته جان بگذاریم، وقت بگذاریم؛ هشتاد سالش است ایشان، مثل یک جوان هفتاد ساله دارد، مثل یک جوان هجده ساله دارد کار می کند.

من دو، سه مورد گزارش دیدم، جلوی ایشان گفتند که آقا شما پیر شدید، ایشان نه به طنز، به حقیقت گفته استغفار کن، توبه کن، خودت پیر شده‌ای. اخیراً آقای راشد نقل می‌کردند، به خود من، آقای راشد می‌گفتند من به مقام معظم رهبری می‌گفتم آقا شما در خودتان احساس پیری می‌کنید؟ فرمودند: «در سه چیز نه، یکی در مطالعه، هر چه مطالعه می‌کنم، سیر نمی‌شوم، یکی در سخن گفتن، تدریس باشد، سخنرانی باشد، یکی هم در آرمان‌ها، یک وجب هم از آرمان‌ها عقب نیامدم». چون آدم‌ها وقتی سنشان بالا می‌رود، همت‌ها کم می‌شود، یواش یواش آرمان‌ها در ذاتشان ریزش پیدا می‌کند، فرمودند نه، شیعه کسی است که وقتی در جلسات اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) می‌نشیند، فضائل اهل بیت (علیهم السلام) را می‌شنود، سعی کند خودش را مثل آن‌ها تربیت کند. زیاده‌گویی کردم، شب میلاد امام عسکری (علیه السلام) است، فیض آماده است. خدایا در فرج فرزند امام عسکری، حجت بن الحسن (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تعجیل بفرما. ظهر ماه رمضان که نیست، بلند الهی آمین بگویند. قلب مقدس و مطهرش را از ما راضی و خشنود بدار. نائب بر حقش مؤید و منصور بدار. شر دشمنان، بخصوص آمریکا، انگلیس، داعشی‌ها، سلفی‌های خبیث به خودشان بازگردان. به زودی با نابودی آل سعود، زیارت حرمین شریفین را روزی ما بفرما. مریضان ما، مریضان منظور شفای عاجل عنایت بفرما. این قلیل عرض ارادت به امام عسکری (علیه السلام) ذخیره قبر و برزخ و قیامت ما قرار بده. خدایا اسباب ازدواج و اشتغال جوانان ما برآورده بفرما. آنچه خواستیم و نخواستیم، صلاح ما در آن است، برای ما مقدر بفرما. کسانی که به گردن ما حق دارند، شهدا، شهدای مدافع حرم، گذشتگان، گذشتگان این جمع سر سفره امام عسکری (علیه السلام) میهمان بفرما. تا مولودی خوانده می‌شود، به روح مطهر امام عسکری (علیه السلام) سه تا صلوات محمدی ختم بفرمایید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ».